«سه‌راهی شهادت» بوی بهشت می‌داد

خاطراتی از عملیات کربلای۵ و پدافند در جزیره ام‌الطویل در گفت‌وگوی «جوان» با یک رزمنده حاضر در این عملیات

■ علیرضا محمدی

«سه راهی شهادت» عنوانی بود که معمولاً رزمنده‌ها به تلاقی راه‌ها در خط اول درگیری با دشمن اطلاق می‌کردند. به عنوان نمونه در عملیات خیبر و در منطقه طلائیه، سه راهی وجود داشت که خمپاره اندازها و توپخانه دشمن گرایشـان را روی آن نقطه تنظیم کرده بودند و از طریق دیده‌بان‌هایشان هر نیرویی را که در جاده حرکت می‌کرد رصد می‌کردند. سپس با رسیدن ستون نیروها به سه راهی مورد نظر، آنجا را گلوله‌باران می‌کردند. در عملیات کربلای۵ هم چند سه راهی شهادت وجود داشت که زیر دید و تیر دشمن بود. در تداوم این عملیات وقتی قرار شد پدافند و آفند (حمله و دفاع) با هم انجام بگیرد، در روزهای آخر دی ماه حوادث بسیاری در منطقه شلمچه رقم خورد که منجر به شهادت تعداد زیادی از رزمنده‌ها شد. علی سعیدی از رزمندگان لشکر انصارالحسین(ع) در گفت‌وگو با «جوان» خاطراتی را از پدافند در خط شلمچه و همچنین شهادت تعدادی از همرزمانش در سه راهی شهادت بیان می‌کند.

تشکیل خط پدافندی در عملیات کربلای۵ از چه زمانی موضوعیت پیدا کرد؟

به طور کل در هر عملیاتی بعد از اینکه خط دشمن را تصرف می‌کردیم، بحث پدافند شروع می‌شد. چون معمولاً ما شب‌ها خط دشمن را می‌شکستیم و صبح که می‌شد، تانک‌های عراقی برای زدن پاتک به صف می‌شدند، بنابراین ما که شب قبل حمله‌کننده بودیم، روز بعد خط پدافندی ایجاد و مقابل ضد حمله دشمن دفاع می‌کردیم. عملیات کربلای۵ هم طبق همین قاعده بود. وقتی لشکر انصارالحسین(ع) مرحله اول را در روز ۲۰ دی ماه شروع کرد، یکسری از مناطق را تصرف کردیم. بعد چند گردان مأمور شدند تا از مناطق تصرف شده مراقبت کنند، اما همزمان باید به آفند و حمله مجدد به خطوط دشمن هم فکر می‌کردیم. تفاوت پدافندی در کربلای۵ با دیگر عملیات دفاع مقدس هم همین بود که چون زمان عملیات طولانی بود، ما بعد از مرحله اول عملیات هم باید از مناطق آزاد شده دفاع می‌کردیم و هم به ادامه عملیات و پیشروی به خطوط دیگر دشمن می‌پرداختیم. در واقع هم پدافند می‌کردیم و هم آفند. دشمن هم همین طور، آنها هم مرتب در وضعیت حمله و دفاع بودند. اینکه می‌گویند نبرد سخت کربلای۵، معنایش همین است. یک کشمکش نزدیک و پرتلفات و بسیار سخت که دو طرف هرچه توان داشتند در منطقه شلمچه متمرکز کردند و از هر دو طرف تلفات زیادی گرفته شد.

بحث پدافندی که گفتید باید در آخرین روزهای دی ۶۵ باشد، درست است؟

بله، تقریباً همین روزهایی که در آن قرار داریم ۳۸ سال پیش دستخوش حوادث بسیاری بود. بعد از اینکه مرحله اول عملیات کربلای۵ تمام شد، در روز ۲۶ دی مرحله دوم عملیات در دژ هلالی شکل که روبه‌روی منطقه پنج‌ضلعی بود، شروع شد. البته این منطقه‌ای که می‌گویم برای لشکر ما بود. مرحله سوم هم از روز ۲۹ دی ماه در کنار نهر جاسم و ضلع غربی شهرک دوعیجی بود. گفتن شرایط آن روزها در حرف ساده است، اما کسانی که آن روزها را به عینه دیده‌اند خاطرات عجیبی تعریف می‌کنند. من یادم است در برخی روزها یک لحظه منطقه آرامش نداشت. مرتب دو طرف روی هم آتش می‌ریختند و جهنمی از آتش در شلمچه ایجاد شده بود. در کنار آتش توپخانه و کاتیوشای دشمن، مرتب بعثی‌ها پاتک می‌زدند و ما باید در عین دفاع در برابر تانک‌هایشان به حمله هم فکر می‌کردیم. توصیفش کار راحتی نیست.

قضیه سه راه شهادت که در شلمچه معروف است، چه بود؟

در خط مقدم جبهه هرجایی که راه‌ها با هم تلاقی می‌کردند سه راهی ایجاد می‌شد. مسلماً رزمنده‌ها از هرجاده‌ای که عبور می‌کردند، در این سه راهی به هم می‌رسیدند و سه راهی‌ها شلوغ‌تر می‌شد. دشمن هم این را می‌دانست و گرای آن سه راهی را می‌گرفت. هر وقت ستون نیروها به سه راهی می‌رسید، آتش خمپاره و کاتیوشا و توپخانه دشمن روی این سه راهی می‌ریخت و تلفات زیادی از ما می‌گرفت. به همین دلیل بچه‌ها به این سه راهی‌ها «سه راهی شهادت» می‌گفتند. در شلمچه هم از این سه راهی شهادت‌ها داشتیم که متأسفانه خیلی آنجا شهید دادیم. در طول عملیات مرتب جابه‌جایی داشتیم و در یکی از این جابه‌جایی‌ها حدود ۶۰۰ نفر نیرو بودیم که روی هر کامیون تقریباً ۴۰ نفر از بچه‌های رزمنده سوار شده بودند. وقتی به سه راهی شهادت رسیدیم، ناگهان موشک‌های کاتیوشا از راه رسیدند. آنقدر حجم آتش دشمن سنگین بود که چند کامیون پر از نیرو مورد اصابت قرار گرفتند و تمامی سرنشین‌های آنها یا شهید یا مجروح شدند. بعدها شنیدم تقریباً ۱۵۰ یا ۱۶۰ نفر آنجا تلفات دادیم. یک صحنه عجیبی بود طوری که بچه‌های سالم با دیدن آن حجم از شهدا و مجروحان که خیلی از آنها سوخته بودند و ناله می‌کردند، یک آن کپ کرده بودند. نیروها گیج شده بودند و همین تعلل و البته بسته شدن راه باعث شد تا دشمن موج دوم حملاتش را انجام دهد و بسیاری از بچه‌های مجروح در همین بمباران دوم به شهادت رسیدند، اما همان‌طور که حضرت زینب(س) فرمودند چیزی جز زیبایی در کربلا ندیدم، باید بگویم که سه راهی شهادت بوی بهشت می‌داد.

> **در قسمتی از جزیره فاصله ما با دشمن شاید به ۱۰ یا ۱۲ متر می‌رسید. آنجا هر کس مجروح یا شهید می‌شد، اصلاً فرصت نمی‌کردیم جابه‌جایش کنیم. آتش دشمن به حدی بود که نمی‌توانستیم پیکر شهدا را تخلیه کنیم و همان‌طور روی زمین رها می‌شدند. البته جنازه نیروهای دشمن هم همه جای جزیره به چشم می‌خوردند**

> **خلبان هوانیروز سریع از بالگرد پایین پرید و به سمت ما آمد. بچه‌های بسیجی دویدند سمت او و علاوه بر نجات خلبان، سعی کردند آتش را خاموش کنند. خلبان می‌گفت بروید کنار الان آتش به راکت‌ها می‌رسد و منفجر می‌شود. آسیب می‌بینید... ولی بچه‌ها گوش ندادند و آنقدر تلاش کردند که عاقبت آتش بالگرد خاموش شد**

آن طرف بعثی‌ها آتش سنگینی روی نیروهای در شلمچه می‌ریختند، پاسخ توپخانه ما چطور بود؟

اتفاقاً نکته‌ای که در کربلای۵ خیلی به چشم می‌آمد، آتش پرحجم توپخانه ما در این عملیات بود. تدارکی که برای عملیات کربلای۵ دیده شده بود، همان تدارک برای عملیات کربلای۴ بود که با عدم الفتح آن امکانات آن عملیات به کربلای۵ اختصاص داده شد. هرچند نیروی هوایی دشمن در آن مقطع از جنگ سرحال‌تر از نیروی هوایی تحت تحریم ما بود، اما وضعیت زمین منطقه شلمچه طوری بود که توپخانه ما می‌توانست آتش تهیه خوبی روی نیروهای دشمن بریزد و جبران بمباران هوایی را کند. در کربلای۵ برخلاف برخی عملیاتی که قبلاً شرکت کرده بودم و از لحاظ مهمات کمبودهایی داشتیم، در این عملیات دست‌مان پرتر بود و خیلی آتش روی سر دشمن ریختیم. شاید از ماه‌ها یا سال‌ها قبل گلوله برای چنین روزهایی ذخیره کرده بودند. دقیق نمی‌دانم. آن چیزی که ما دیدیم این بود که توپخانه ما هم پشتیبانی خیلی خوبی انجام می‌داد و خط دشمن را حسابی می‌کوبید.

ارتش هم از واحدهای سپاه پشتیبانی می‌کرد؟

بله، این عملیات هرچند به فرماندهی سپاه انجام شد، ولی ارتش پشتیبانی خوبی از نیروهای سپاه داشت. از دیده‌های خودم اگر بخواهم بگویم، هوانیروز واقعاً عملکرد خوبی داشت. بارها و بارها بالگردهای کبرای هوانیروز آمدند و خطوط دشمن و خصوصاً تانک‌هایشان را درهم کوبیدند. دشمن هم البته از بالگردهایش استفاده می‌کرد و چون آنها بالگرد بیشتری داشتند، از صبح تا عصر که هوا روشن بود، مرتب بالگردهای عراقی می‌آمدند و برای ما ایجاد مزاحمت می‌کردند، اما هوانیروز ما آنقدر امکانات نداشت که در تمام ساعات روز بتواند به خطوط دشمن حمله کند. عراقی‌ها به خاطر حمایت‌هایی که از آنها می‌شد از همه لحاظ نسبت به ما تسلیحات بهتر و پیشرفته‌تری داشتند، ولی ما با همان توانی که داشتیم مقاومت می‌کردیم. بالگردهای ارتش هم به رغم محدودیت‌هایی که داشتند، حسابی از خجالت دشمن درمی‌آمدند.

چه خاطراتی از آن روزها در ذهن دارید؟

یک‌بار یکی از بالگردهای هوانیروز که از ارتفاع پایین تانک‌های دشمن را می‌زد، مورد اصابت تیربار عراقی‌ها قرار گرفت. قسمت دم بالگرد آتش گرفت و خلبان توانست بالگردش را پشت خطوط ما روی زمین بنشاند. خلبان سریع از بالگرد پایین پرید و به سمت ما آمد. بچه‌های بسیجی دویدند سمت او و علاوه بر نجات خلبان، سعی کردند آتش را خاموش کنند. خلبان می‌گفت بروید کنار الان آتش به راکت‌ها می‌رسد و منفجر می‌شود. آسیب می‌بینید.... ولی بچه‌ها گوش ندادند و آنقدر تلاش کردند که عاقبت آتش بالگرد خاموش شد و خوشبختانه اتفاق بدی هم نیفتاد. خلبان با دیدن آن همه شجاعت و اخلاص بچه‌های بسیجی اشک از چشمانش جاری شده بود. می‌گفت ما اگر یک بالگرد را از دست بدهیم، دیگر جایگزینی برای آن وجود ندارد. این بالگردها امریکایی هستند و امریکا هم ما را تحریم کرده است.

سخت‌ترین منطقه پدافندی در عملیات کربلای۵ کدام منطقه بود؟

از دید من در خط پدافندی جزیره ام‌الطویل کار بسیار سخت بود. شاید در طول حضورم در جبهه‌ها چنین چیزی را ندیده بودم. بعثی‌ها کل این جزیره را زیر آتش بی‌امان خودشان قرار داده بودند. یک خاکریز هم برای دفاع بیشتر نبود و پشت همان خاکریز مقاومت می‌کردیم. آنجا فاصله ما با دشمن کم بود. در قسمتی از جزیره فاصله ما با نیروهای دشمن شاید به ۱۰ یا ۱۲ متر می‌رسید. آنجا هر کس مجروح یا شهید می‌شد، اصلاً فرصت نمی‌کردیم جابه‌جایش کنیم. آتش دشمن به حدی بود که نمی‌توانستیم پیکر شهدا را تخلیه کنیم و همان‌طور روی زمین رها می‌شدند. البته جنازه نیروهای دشمن هم همه جای جزیره به چشم می‌خوردند. یک وضعیت خاصی آنجا داشت که فراموش شدنی نیست.

وادی کتاب

خوشامدگویی به سبک یک فرمانده

برشی از کتاب «زندگی در کمین» پیرامون نبرد سخت با دشمن در منطقه شلمچه

متن پیش‌رو برگرفته از کتاب «زندگی در کمین» خاطرات رزمنده‌ای به نام مهدی میرزایی ازندریانی است که لحظاتی از عملیات کربلای۵ و سختی‌های آن را در منطقه شلمچه روایت می‌کند.

به آتش شلمچه خوش آمدید!

سعید اسلامیان، فرمانده محور عملیات بود و بعد از فرمانده لشکر حرف اول و آخر را در منطقه نبرد می‌زد. با دستور حاج مهدی کیانی حدود یک کیلومتر با تویوتا رفتیم. هشت نفر پشت ماشین سوار شده بودند و بلدچی نیروهای اطلاعات هم کنار راننده نشسته بود. نزد سعید اسلامیان رفتیم. زمانی که پشت خاکریز رسیدیم به صورت نشسته با او روبوسی کردیم. او به محض دیدن ما گفت: برادران عزیز، به جهنم شلمچه خوش اومدین!

یکی از نیروهای اطلاعات عملیات هم پیش اسلامیان بود. او به ما گفت باید ۳۰۰ متر به‌صورت نیم‌خیز روی دژ بدویید. روی این دژ انواع گلوله و موشک شلیک می‌شد و حدود دو متر از کف زمین فاصله داشت. هیچ راه دیگری غیر از این دژ برای رسیدن به خط مقدم وجود نداشت.

دویدن روی دژ

سعید اسلامیان به ما گفت هر نفر باید با فاصله سه متر از نفر جلویی و به‌صورت نیم‌خیز روی دژ بدود و اگه تیر خوردین، اونجا دراز نکشین، هر جوری شده باید خودتون رو به سنگر اول برسونین.

من نفر چهارم ستون بودم. با سرعت و به‌صورت نیم‌خیز زیر آتش شدید دشمن حرکت کردیم. وقتی می‌دویدیم، تیرهای دشمن به‌جای پای ما می‌خورد اما به ما اصابت نمی‌کرد این هم از عنایات الهی بود. خودمان را به داخل یک سنگر رساندیم. نبرد سختی در منطقه در جریان بود و دشمن هم صد متر بیشتر با ما فاصله نداشت. تمامی نیروها و ادوات زرهی آنها به ویژه تانک‌ها، خمپاره‌های ۸۱ و ۱۲۰ و توپ ۱۰۶ نزدیک ما بودند، در حالی که نیروها و ادوات ما به ویژه توپخانه در عقبه بودند و تنها نیروهای رزمی با خمپاره ۸۱ و ۶۰ میلی‌متری کنار رزمندگان ما حضور داشتند.

زیر دید دشمن

آنجا حتی آمبولانسی برای انتقال مجروحان به عقب خط وجود نداشت، زیرا هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفت. همه‌چیز زیر دید دشمن بود. برای شناسایی منطقه نیازی به دوربین نبود، زیرا فاصله زیادی با دشمن نداشتیم. حدود دو ساعت به شناسایی نیروها و ادوات زرهی آنها از درون سنگر پرداختیم. دشمن در حال آماده شدن برای نبرد بود و ما جابه‌جایی نیروها و ادوات جنگی آنها را روی جاده مشاهده می‌کردیم.

تجهیزات جنگی آنها به صورت کاروانی و ستونی وارد منطقه نبرد می‌شد. شناسایی منطقه نبرد صرفاً برای آشنایی با مکان نبرد، موانع، استحکامات و آرایش نیروهای دشمن بود. این شناسایی، بیشتر شامل نوک کانال پرورش ماهی و مواضع هلالی شکل و پنج‌ضلعی و سنگرهای نونی شکل می‌شد.

اصابت گلوله به سنگر دفاعی

۱۰ نفر داخل سنگر بودیم. ناگهان دو گلوله توپ ۱۰۶ میلی‌متری، مستقیم به سنگر ما اصابت کرد. با اصابت گلوله‌ها گردوخاک و دود بلند شد و مقداری از سقف سنگر روی سر ما ریخت. حین شناسایی سه جنگنده ایرانی به شکل خطرناکی از بالای سنگر ما عبور کردند. این جنگنده‌ها به حدی در ارتفاع پایین حرکت می‌کردند که نزدیک بود به دکل‌های دیده‌بانی دشمن برخورد کنند.

پرواز در ارتفاع پایین برای پنهان ماندن از دید رادارهای دشمن بود. سه جنگنده ایرانی، مواضع دشمن و مقر زرهی آنها را بمباران کردند. پدافند هوایی دشمن خیلی دیر متوجه شد. بعد از شناسایی به خط مقدم رفتیم. در خط مقدم رزمندگان تیپ ۴۴ قمربنی هاشم (ع) از استان چهارمحال و بختیاری مستقر شده بود. اولین بار بود که در خط مقدم یک موشک ضدتانک مالیوتکا می‌دیدیم. این موشک می‌توانست یک تانک را منهدم کند. قدرت انفجار آن از آرپی‌جی بیشتر بود.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۷۲۲۳

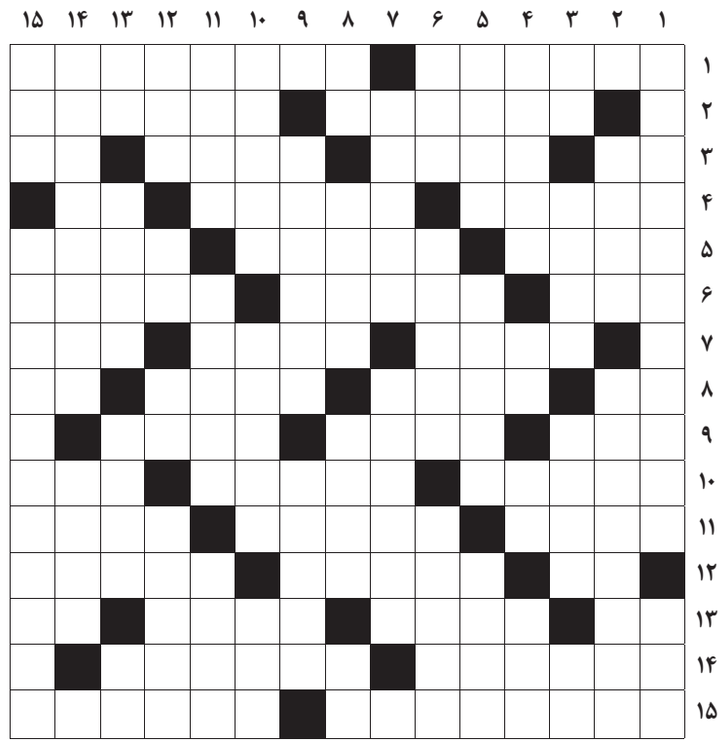

از راست به چپ

■ ۱- بندری مهم در استان بوشهر- کرایه¬شمار ■ ۲- پرداخت یا دریافت وام برای مدت معین در برابر سود معین- اتحاد برای نخریدن یک کالا ■ ۳- جمع اصم؛ کرها- خمیده- شجاع - علامت بیماری ■ ۴- نوعی سیمکشی ساختمان- واژه فرانسوی به معنی پرونده- لاف توخالی ■ ۵- شهری نزدیک اردبیل- ثابت کردن- به کار بستن قانون ■ ۶- از نامهای انسان در قرآن- عاشق کوه کن- بیگانگان ■ ۷- پرنده¬ای است شبیه کبک- زبان- حشره مزاحم ■ ۸- پزشکی- کلمه¬ای که دو بار در سوره حمد تکرار شده است- بازگشت از گناه- هنوز انگلیسی ■ ۹- سخن گفتن از روی خشم- متضاد مقعر- نوعی زاویه ■ ۱۰- امانت- از منسوبین نزدیک- سرور ■ ۱۱- بندری در نروژ- اثر نیما یوشیج- تخم گیاه کتان ■ ۱۲- تکرارش نام درختی است- حالا- ذخیره و یدکی ■ ۱۳- نیمه تاریک زمین- نام قدیم مشکین شهر- فرار- تهوع ■ ۱۴- از چین¬خوردگیهای زمین- پایتخت کشتی ایران ■ ۱۵- شهر تاریخی ترکیه- نقاشی متحرک

از بالا به پایین

■ ۱- عنوانی برای دیپلمات اخراجی- ورزش خشکی و آب ■ ۲- سوره چهلم- نام قدیمش گمبرون است ■ ۳- تکیه بر پشتی- جدار غشایی در بافتها- سایر و غیر- پوستین وارونه ■ ۴- زگیل- حرف انتخاب- «از» عرب زبان- پروردگار ■ ۵- سرگرد قدیمی- از اسامی بانوان- رسم و روش ■ ۶- از گربه¬سانان- جمع روح- کتاب شیخ مرتضی انصاری ■ ۷- از قدیم گفته¬اند خبر نمی¬کند- زن خانه¬دار ■ ۸- انتها- دست شکسته بر گردن می شود- سلاح قدیمی- پوشش چهارپا ■ ۹- معامله نسیه- از زینت آلات زنانه ■ ۱۰- از وسایل آتش¬زا- شاعر اهل مراغه صاحب مثنوی جام جم ■ ۱۱- بی نقش و نگار- محل ذخیره کالا- خوشگل ■ ۱۲- سال آذری- برجستگی لاستیک- ضربه سر در فوتبال- محل خرید و فروش کالا ■ ۱۳- زوبین- افسار- ساز چنگ- لخت ■ ۱۴- به عنوان ملکه میوه¬ها در آسیا شناخته می شود- سرباز روس تزاری ■ ۱۵- رتبه¬ها- عدم حضور عمدیِ گروهی از نمایندگان مجلس در هنگام رأیگیری، بهقصدِ از اکثریت انداختن مجلس و جلوگیری از تصویب یک لایحه یا طرح است

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۵	۷				۱		
				۹				
		۱				۶	۳	
		۴	۳		۱	۹		
۶	۱							۴
				۴				۵
						۷	۶	
۹	۳				۴			
			۸		۵			

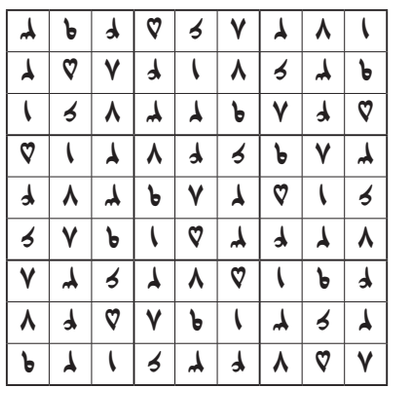

جدول کلمات متقاطع
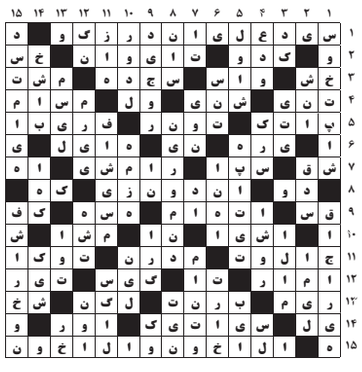
پاسخ جدول شماره ۷۲۲۲